

ابوزراعه معمري

نويسنده: دكتور بصير كامجو

ابوزراعه معمري از شاعران قرن چهارم هجري دوره شاهنشاهي سامانيان (اجداد تاجيكان وپارسها وکرد ها) وهم عهد رودكي بزرگ بوده است.(1) گویند که روزی :

" امير خراسان اورا گفت شعرچون رودكي ؟ او گفت حُسن نظم من از آن پيش است اما احسان و بخشش تودر مي بايد ! که شاعر مرضي همگنان آنگاه گردد که نظر رضاي مخدوم بوي متصل شود . پس اين سه بيت را در آن معنی نظم داد. :

اگر بدولت با رودكي نمی مانم عجب مکن سخن از رودكي نه کم دانم

اگر به کوري چشم او، بيافت گيتي را ز بهر گيتي ، من کور بود نتوانم

هزار ويک ز آن کويافت از عطاء ملوک به من دهی سخن آيد هزار چندانم " (2)

از اشعار اوست :

هرآنکسي که نباشد ز اخترش اقبال بود همه هنر او به خلق نا معقول

شجاعتش همه ديوانگي فصاحت حشو(*) سخاگزازف وکريمي فساد وفضل وفضول

جهان شناخته گشتم به روزگار دراز نديدم از پس دين هيچ بهتر از هستي
نياز و ناز بديدم در اين تشيب و فراز چنانکه نيست پس از کافري بتر ز نياز(3)

انجا که درم بايد دينار براندازم وانجا که سخن بايد چون موم کنم آهن
چون باد همی گردد با باد همی گردم گه با قدح و بربط گه با زره و جوشن (4)

منابع و مأخذ زراعه معمري

- 1 - ذبيح الله صفا ، تاريخ ادبيات ايران ، جلد يكم ، ص 297
- همچنان رجوع شود به : محمد دبیر سیاقی ، پیشآهنگان شعر فارسی ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، لغتنامه دهخدا .
- 2 - لباب الالباب عوفی بخاری ، ج 2 ، ص 10 .
- (*) - حشو : جمله زايد ، آگنه ، اضافه
- 3 - ذبيح الله صفا ، تاريخ ادبيات ايران ، جلد يكم ، ص 297
- 4 - مردان پارس ، شعر از ابوزراعه معمري .